

پرسش و پاسخ

## با کاوشگران تاریخ و دانشوران معرفت

◊ حجت‌الاسلام آقای رضوی افتخاری از قم نوشته‌اند:

اخیرا آقای منتظری مصاحبه‌ای انجام داده‌اند... ایشان در این مصاحبه درباره کتاب خاطرات، تأکید کرده‌اند که خاطرات مربوط به خود من است و کسی هم به من القاء نکرده است. می‌خواستم نظر شما را درباره این مصاحبه بدانم...

آن روز که خبر انتشار خاطرات آقای منتظری را شنیدیم باور کردیم که خاطرات از آن او می‌باشد، چرا چون امام بزرگوار خطاب به آقای منتظری فرموده بودند که شما بعد از این (بعد عزل از قائم مقام رهبری) چیزهایی می‌نویسید که آخرتتان را خراب می‌کنید. آن گاه که آن را مورد مطالعه و بررسی قرار دادیم، در اعتبار آن و اینکه به راستی مطالب آن کتاب از جانب او بازگو شده باشد، تردید کردیم و اکنون که این اصرارهای مؤکد و تأکیدات مجدد را در اینجا

و آنجا به نام او می‌بینیم و می‌خوانیم یقین می‌کنیم که این خاطرت ساخته و پرداخته عناصر مرموزی است که در بیت او جاخوش کرده‌اند، زیرا اگر این خاطرات به راستی از زبان آقای منتظری بیرون آمده بود، به جای این دست و پا زدن‌ها و تأیید و تکذیب کردن‌ها نوار خاطرات او را منتشر می‌کردند «تا سیه روی شود هر که در آن غش باشد»!

اگر به راستی این خاطرات از جانب آقای منتظری بازگو شده است، چرا نوار و صدای او را روی سایت نمی‌گذارند و یا به صورت سی دی توزیع نمی‌کنند، تا به آن اعتبار ببخشند و شک و تردیدها را برطرف سازند؟ چرا باند حاکم در بیت آقای منتظری از این پیشنهاد ما که نوار خاطرات او را در اختیار عموم قرار دهند، تا این حد آشفته، پریشان، مضطرب و نگران شده و به ناسزاگویی روی آورده و مصاحبه راه انداخته‌اند؟!

اگر دست‌اندرکاران بیت او، به جای این دست و پا زدن‌های بیهوده نوار خاطرات او را در دسترس عموم قرار می‌دادند، این کتاب را از بی‌اعتباری و دار و دسته حاکم در بیت او را از بی‌آبرویی و رسوایی تا پایه‌ای می‌رهانیدند و به ملت ایران و تاریخ می‌باوراندند که دست کم در انتشار خاطرات آقای منتظری صادق بوده‌اند و به مردم و نسل امروز و نسل‌های آینده دروغ نگفته و خیانت نکرده‌اند.

دست‌اندرکاران بیت آقای منتظری و تنظیم‌کنندگان کتاب خاطرات باید بدانند که «آفتاب برای همیشه پشت ابر نمی‌ماند»، خواه ناخواه روزی نوار خاطرات نامبرده در دست مردم قرار می‌گیرد و همگان درمی‌یابند که او در خاطرات خود چه گفته و دیگران چه مطالبی بر آن افزوده‌اند. فرضاً نوار خاطرات او را از میان ببرند و نابود کنند، برخی افراد با وجدان که در جریان تنظیم این خاطرات حضور داشته‌اند، سرانجام روزی به ندای وجدان خود پاسخ خواهند گفت و نیرنگ‌ها و ترفندهای پشت پرده را برملا خواهند کرد و نشان خواهند داد که خاطرات منسوب به آقای منتظری با چه حیل‌ها و شگردهایی سرهم‌بندی شده و چگونه عناصر مرموز وابسته به منافقین و گروه‌های لیبرالیستی مخالف روحانیت، اسلام و امام، به نام آقای منتظری حرف‌های خود را زدند و اغراض خود را مطرح کردند. بر فرض که وجدان‌های خفته بیدار

نشود و اسرار خاطرات منسوب به او برای همیشه پنهان و پوشیده بماند، این پرسش برای تاریخ مطرح خواهد بود که خاطرات آقای منتظری از چه طریقی به دست آمده است که نه صدا و نوار دارد و نه دستخط؟ و این پرسش خردمندانه بی‌اعتباری و ساختگی بودن خاطرات منسوب به او را آشکار خواهد ساخت و دروغ‌سازان و تحریف‌گران را رسوا خواهد کرد.

در پایان خوب است یادآور شویم که یکی از روحانیان متعهد که با آقای منتظری و بیت او در رفت و آمد است روایت می‌کرد که روزی در ملاقات با آقای منتظری درباره یکی از مطالبی که در کتاب خاطرات از زبان نامبرده آمده است پرسش کردم، بدون آنکه به او بگویم این مطلب در کتاب خاطرات آمده است، آقای منتظری پاسخ داد: «همچو موضوعی را اصلاً نشنیده‌ام!!» تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.



◆ آقای احسان پورمقصود از کاشمر ضمن تقدیر و تشکر از روشنگری‌های فصلنامه پانزده خرداد و اظهار تأثر از اینکه قدر این نشریه مجهول مانده و «حتی خواص هم نمی‌دانند این نشریه چه گنجینه‌ای است» پرسیده‌اند:

«آیا درست است ایران برای فلسطین تا این قدر بی‌تابی از خود به خرج بدهد، در حالی که خود فلسطینی‌ها معلوم نیست می‌خواهند چه کار بکنند؟ بعضی‌هایشان مشغول بده و بگیر با اسرائیل هستند و خیلی معلوم نیست برای خاکشان دل‌مشغولی داشته باشند، آن وقت ایران لقمه از دهان مردمش می‌گیرد و به آنها کمک می‌کند با اینکه خیلی از ایرانی‌ها مستحق‌ترند و به قول قدیمی‌ها چراغی که در خانه رواست در مسجد حرام است...»!

ﷺ اولاً این مثل معروف: «چراغی که در خانه رواست در مسجد حرام است» برخلاف اصول انسانی و موازین اخلاقی است و با مبانی اسلامی نیز مغایرت دارد. بانوی بزرگ اسلام، حضرت فاطمه (سلام‌الله علیها) - بنابر روایتی - فرمودند: «الجار، ثم الدار»: نخست همسایه، آنگاه خانه. این شعار ارتجاعی و خلاف انسانی: «چراغی که در خانه رواست در مسجد حرام است»

برای کسانی پسندیده و پذیرفته است که می‌خواهند مانند حیوانات زیست کنند، غذای خودشان تأمین باشد، بر سر دیگران هر چه بیاید باکی نیست! گوسپند دنبال علف خویش است و هر از چند گاه که سر از آخور بیرون می‌آورد، می‌بیند که گوسپندانی را سر بریده‌اند و آن حیوانات در خون خود دست و پا می‌زنند، اما او با کمال بی‌تفاوتی و خونسردی به آن صحنه خونبار نگاه می‌کند و به علف خوردن ادامه می‌دهد. برخی بر آنند که ایرانی‌ها زندگی حیوانی داشته باشند و زندگی، رفاه، آسایش و آرامش خود را تأمین کنند و آن‌گاه که در برابر دیدگانشان صدها و هزاران نفر از مردم و زن و کودک و بزرگ و کوچک قتل‌عام می‌شوند، کوچک‌ترین نگرانی و ناراحتی به آنها دست ندهد و حتی اظهار تأثر هم نکنند و روحیه همدردی، نوع‌دوستی، حمیت، غیرت، انسانیت و وجدان در انسان‌ها کشته شود، تا جهانخواران خون‌آشام با خیال راحت در هر کجای دنیا که می‌خواهند، خون بریزند و مردم را سلاخی کنند و دیگر ملت‌ها صدایشان در نیاید و خیال جنایتکاران را آشفته نسازد. آنها می‌خواهند امروز که فلسطینی‌ها را قتل‌عام می‌کنند ایرانی‌ها دم در نیاورند و بی‌تفاوت و ساکت بمانند و فردا که خدای نخواست به سراغ ایرانی‌ها می‌آیند و می‌خواهند ایرانی‌ها را به مسلخ بکشند، فلسطینی‌ها و دیگر ملت‌ها دم در نیاورند و صدا به اعتراض بلند نکنند. همان‌طوری که در دوران رژیم پهلوی در مقابل آن همه جنایات و کشتار رژیم ساکت ماندند و آن رژیم خونخوار را تأیید و تجهیز کردند.

ثانیا ایران لقمه‌ای از دهان ایرانی نگرفته است که به فلسطینی‌ها بدهد. غالباً کمک ایران به مردم فلسطین از راه تعاون و مساعدت خود مردم است که با دل و جان، از دسترنج خود برای یاری مردم فلسطین تقدیم می‌دارند و آنچه را دولت به فلسطینی‌ها کمک می‌کند، در حدی نیست که در سرنوشت مردم ایران تأثیرگذار باشد، ثالثاً کمک ما به فلسطین در واقع در راه دفاع از مرز و بوم ایران و استقلال کشور خودمان است که اکنون به توضیح آن می‌پردازیم:

باید دانست که صهیونیست‌های تاجرپیشه و سوداگر تنها برای تصرف خاک و شن داغ فلسطین به این سرزمین کوچ نکرده‌اند و غرضشان تنها زیستن و زندگی کردن در سرزمین

محدود فلسطین نیست. آن روز که نفت در خاورمیانه کشف شد و بسوی نفت مشام صهیونیست‌ها را نوازش داد، آنها یادشان آمد که «فلسطین ارض موعود است»! تا از این راه یهودی‌های عوام و ساده‌لوح را بفریبند و به عشق سرزمین موعود به سوی خاورمیانه بکشانند، لیکن غرض اصلی آنان اشغال کشورهای نفت‌خیز و دستیابی بر چاه‌های نفت منطقه است، از این رو، هم‌زمان با توطئه برای اشغال فلسطین صریحا اعلام کردند که هدفشان «تشکیل اسرائیل بزرگ از نیل تا فرات است» و بعضی از افراطیان صهیونیستی نیز رویای تصرف سرزمین‌های «از وادی صهیون تا جولانگاه استر» را دارند، یعنی بخش زیادی از سرزمین‌های ایران، و اگر تا به امروز به این خواسته شیطانی و استعماری دست پیدا نکرده‌اند، برای این است که در خاکریز اول مانده‌اند و نتوانسته‌اند فلسطینی‌ها را سرکوب کنند و از سر راه مطامع و اغراض و امیال خود کنار بزنند. بی‌تردید اگر روزی، خدای نخواست، فلسطینی‌ها را بتوانند از سر راه خود بردارند و نابود کنند و یا به تسلیم وادارند در حمله به دیگر کشورهای مجاور فلسطین برای رسیدن به چاه‌های نفت درنگ نمی‌کنند و اگر چنین روزی پیش بیاید، ملت ایران ناگزیر خواهد شد برای دفاع از سرزمین خود و منابع سرشار آن با صهیونیست‌ها در مرزهای ایران روبه‌رو شود و در خاک ایران با آنها بجنگد. حضرت امام علی(ع) - به حسب روایت - فرمود: «بدبخت ملتی که بی‌تفاوت بنشیند تا دشمن پیش بیاید و در درون خانه خویش با دشمن پیکار کند». امروز فلسطینی‌های مظلوم و بی‌پناه نه تنها در راه آزادی سرزمین خود مبارزه می‌کنند، بلکه از دیگر کشورها و ملت‌های منطقه خاورمیانه نیز دفاع می‌کنند و صهیونیست‌ها را از اشغال کشورهای نفت‌خیز خاورمیانه باز می‌دارند.

بنابراین حمایت ایران از مردم مظلوم فلسطین روی سه اصل اساسی و عقلایی است:

۱. از نظر انسانیت، به گفته سعدی:

بنی‌آدم اعضاء یگدیگرند	که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار	دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی‌غمی	نشاید که نامت نهند آدمی

ایرانیان شریف و آزاده روی خصلت آزادگی، جوانمردی و نועدوستی هیچ‌گاه نمی‌توانند از سرنوشت دیگر انسان‌ها غافل باشند و آنچه را که در فلسطین، لبنان، عراق، افغانستان و... می‌گذرد نادیده بگیرند و به یاری مظلومان و ستمدیدگان نشتابند و در راه دفاع از انسان‌های تحت ستم فریاد برنیاورند و اظهار همدردی نکنند.

۲. از نظر موازین اسلامی، پیامبر اکرم(ص) - طبق روایت - فرمودند: کسی که استغاثه انسانی را بشنود و به یاری او نشتابد مسلمان نیست.<sup>۱</sup> نیز از آن حضرت روایت شده است کسی صبح از خواب برخیزد و اهتمام به امور دیگر مسلمان‌ها نداشته باشد، مسلمان نیست.<sup>۲</sup> از نظر اسلام دفاع از مظلومان و ستمدیدگان واجب است و کسی که در این مسئولیت کوتاهی کند گناه‌کار می‌باشد. بنابراین بر هر انسان مسلمانی واجب است که از مسلمانان تحت ستم، به ویژه مردم فلسطین دفاع کند و اگر هیچ کاری از او بر نمی‌آید، دست کم صدا به اعتراض بلند کند، فریاد بزند و ستم‌هایی را که بر آنان می‌رود محکوم کند.

۳. از نظر سیاسی، چنان‌که آورده شد امروز مردم فلسطین با مقاومت و مقابله با اشغال‌گران در واقع از سرزمین ایران نیز دفاع می‌کنند و صهیونیست‌ها را از تجاوز به خاک ایران باز می‌دارند. بنابراین، پشتیبانی از فلسطینی‌ها در واقع دفاع از ایران و پیشگیری از خطر صهیونیست‌ها است که چشم طمع به منابع نفت و گاز ایران و دیگر کشورهای نفت‌خیز منطقه دارند.

در پایان، صرف نظر از تمام موارد مذکور، یکی از پیام‌های حضرت امام(س) در سال ۱۳۶۱ را که گویای اهمیت و جایگاه مسئله فلسطین و مسجدالاقصی و وظیفه مسلمین جهان در قبال رژیم نامشروع صهیونیسم می‌باشد در پی می‌آوریم:

۱. من سمع رجلا ینادی یا للمسلمین قلم یجبهه فلیس بمسلم.

۲. من اصبح ولم یهتّم بامور مسلمین فلیس بمسلم

### بسم الله الرحمن الرحيم

مسئله قدس یک مسئله شخصی نیست، و یک مسئله مخصوص به یک کشور و یا یک مسئله مخصوص به مسلمین جهان در عصر حاضر نیست، بلکه حادثه‌ای است برای موحدين جهان و مؤمنان اعصار گذشته و حال و آینده، از روزی که مسجدالاقصی پی‌ریزی شد تا آن‌گاه که این سیاره در نظام هستی در گردش است. و چه دردناک است برای مسلمانان جهان در عصر حاضر که با داشتن آن همه امکانات مادی و معنوی، در مرئی و منظر آنان به پیشگاه خداوند متعال و رسولان عالیقدرش این‌چنین جسارت واقع شود، آن هم از یک مشت اوباش جنایتکار. و چه ننگ است برای دولت‌های اسلامی که با در دست داشتن شریان حیاتی ابرقدرت‌های جهان بنشینند و تماشاگر باشند که امریکا ابر جنایتکار تاریخ، یک عنصر فاسد بی‌ارزش را در مقابل آنان علم کند و با عده‌ای ناچیز عبادتگاه مقدس و قبله‌گاه اول آنان را از آنان غصب نموده و با کمال وقاحت در مقابل همه آنان قدرت‌نمایی کند. و چه شرم‌آور است سکوت در مقابل این فاجعه بزرگ تاریخ. و چه زیبا بود که بلندگوهای مسجد اقصی از همان روز که اسرائیل این عنصر خبیث دست به کار این جنایت عظیم شده بود، به صدا در می‌آمدند. اکنون که مسلمانان انقلابی و شجاع فلسطین با همتی عالی و با آوای الهی از معراج‌گاه رسول ختمی - صلی الله علیه و آله و سلم - خروش بر آورده و مسلمانان را به قیام و وحدت دعوت نموده‌اند و در مقابل کفر جهانی نهضت نموده‌اند، با کدام عذر در مقابل خداوند قادر و وجدان بیدار انسانی می‌توان در این امر اسلامی بی‌تفاوت بود؟ اکنون که خون جوانان عزیز فلسطین دیوارهای مسجد قدس را رنگین کرده است و در مقابل مطالبه حق مشروعیان از مشتی دغل‌باز، با مسلسل جواب شنیده‌اند، برای مسلمانان غیرتمند عار نیست که به ندای مظلومانه آنان جواب ندهند و همدردی خود را با آنان اظهار نکنند؟ باشد که فریاد همدردی آنان دولت‌ها را بیدار کند که از قدرت عظیم اسلامی استفاده کرده و دست امریکای جهانخوار، این جنایتکار تاریخ را که از آن طرف دریاها به پشتیبانی ستمگران، دست پلید اسرائیل را می‌فشارد قطع کنند و خود و ملت‌های

مظلوم جهان را نجات دهند. امید است خداوند منان بر بشر منت فرموده و وعده قرآنی خود را هر چه زودتر انجام فرماید و مستضعفان جهان را بر مستکبران غلبه دهد. درود بر قدس و بر مسجد اقصی. درود بر ملت‌های بیخاسته در مقابل اسرائیل جنایتکار؛ و درود بر مسلمانان و مستضعفان جهان.

روح‌الله الموسوی الخمینی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی